

Feasibility of Using the *Lā Ḍararr* Principle in the Analysis of Doping Event ¹

Zeynab Mirzaee

Ph.D Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law at Semnan University; Zmirzaee20@gmail.com

Mahdi Movahhedi Moheb 


Associate Professor of Law Department at Semnan University; Semnan- Iran;
(Corresponding Author); movahedi@semnan.ac.ir

Abstract

173

Doping in its various forms is one of the new challenges in modern human life and society. It can be studied from various interdisciplinary and multidisciplinary perspectives such as sports medicine, social ethics, medical law, sports law, social jurisprudence and criminal law. The jurisprudential position of this complex issue can also be studied from various conceptual,

1. Movahhedi Moheb- M; (2023); “ Feasibility of Using the *Lā Ḍararr* Principle in the Analysis of Doping Event”; *Jostar_ Hay Fihi va Usuli*; Vol: 9; No: 31; Page: 175-208;

 [10.22034/JRJ.2022.64014.2484](https://doi.org/10.22034/JRJ.2022.64014.2484)

© 2023, Author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

thematic and normative perspectives. This study first, focusing on several definitions, especially the definition of the Medical Commission of the International Doping Committee, discusses what doping is, and then pays attention to its common examples that can be discussed from a jurisprudential point of view. By using a new research design and conceptualization, that is by focusing on an existing harm in doping (“*Dararr*”), the authors in this study try to raise new questions that will systematize and clarify the jurisprudential-legal understanding of the doping issue. In this study, focusing on the harmful nature of doping, we will seek an answer to the question of how to discover its obligatory ruling based on jurisprudential sources and reasons, such as the Qur’ānīc verses about *Dararr* (harm), and also based on the *Lā Dararr* principle. The method of this study is the analytical-conceptual that *Fuqahā*, jurists and legal philosophers have used for centuries in the field of jurisprudence, principles and philosophy of law. In this method, the clarity, accuracy and transparency of the concepts and issues have a fundamental and undeniable role, and this is why the *faqīh* or jurist tries as much as possible to discover the nature of the problem and its answer, and this is why the *faqīh* or jurist, to find the nature of the problem and its answer as much as possible, tries to use the tools of analysis, analysis and minimization of ideas and thoughts. The following text is tied to the use of existing textual and library sources - mainly Shia jurisprudence sources and sources related to sports law. So far, no independent book or article has been written about this topic, i.e. the connection between the *Lā Dararr* principle and doping. The innovation of this research in posing new questions, branches and divisions (such as exclusivity or inclusion of *Dararr*, knowledge and ignorance of the *Dararr* of

doping, specific-particular *Ḍararr* of doping, amount of *Ḍararr* and the issue of non-existential affairs) as well as using the conceptual-analytical capacities of the *Lā Ḍararr* principle in understanding the the emerging issue of doping. Most of the examples, branches and arguments of this study do not have a history in legal articles and books about doping and are new, therefore, it can be an example for the output and ramification of one science (the Principle of jurisprudence) for another science (sports law). In addition, our claim is that the various dimensions and angles of this study can be helpful in explaining the jurisprudence of doping.

KeyWords: Doping, *Lā Ḍararr* Principle, Principles of Jurisprudence, Jurisprudence of *Shī'ah*, Sport Laws, *Ḍararr* Concept.

امکان سنجی استفاده از قاعده لا ضرر در تحلیل پدیده دوپینگ^۱

زینب میرزایی

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سمنان، سمنان- ایران؛ رایانامه: Zmirzaee20@gmail.com

مهدی موحدی محب 

دانشیار گروه حقوق دانشگاه سمنان؛ سمنان- ایران؛ (نویسنده مسئول)، رایانامه: movahedi@semnan.ac.ir



امکان سنجی استفاده
از قاعده لا ضرر در
تحلیل پدیده دوپینگ

۱۷۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۰

چکیده

دوپینگ در اشکال متنوع خود، یکی از چالش‌های نوآمد در زیست اجتماعی بشر مدرن است و از زاویه دیدهای میان‌رشته‌ای و چندرشته‌ای گوناگون نظیر پزشکی ورزش،^۲ اخلاق اجتماعی،^۳ حقوق پزشکی،^۴ حقوق ورزش،^۵ فقه اجتماعی و حقوق جزا قابل بررسی

۱. موحدی محب، مهدی و دیگران. (۱۴۰۲). امکان سنجی استفاده از قاعده لا ضرر در تحلیل پدیده دوپینگ. فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی. (۹). ۲: ۳۱. صص: ۱۷۵-۲۰۸.

2. sport medicine
3. social ethics
4. medical law
5. sport law

است. جایگاه فقهی این مسئله پیچیده نیز از منظرهای گوناگون مفهومی، موضوع‌شناسانه و هنجاری قابل بررسی است. این نوشتار، نخست با تمرکز بر چند تعریف، به ویژه تعریف کمیسیون پزشکی کمیته بین‌المللی دوپینگ، به بحث پیرامون چیستی دوپینگ پرداخته و سپس مصادیق شایع آن که از نظر فقهی قابل بحث است، توجه می‌ورزد. نگارندگان این مقاله می‌کشند با استفاده از یک طراحی و مفهوم کاوی جدید، با تمرکز بر یک آسیب موجود در دوپینگ («ضرر»)، پرسش‌های جدیدی طراحی کنند که فهم فقهی حقوقی مسئله دوپینگ را نظام‌مند و روشن سازد. این پژوهش با تمرکز بر ماهیت آسیب‌زای دوپینگ، در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه بر پایه منابع و دلایل فقهی همچون آیات قرآن درباره ضرر و نیز با توجه به قاعده لا ضرر می‌توان حکم تکلیفی آن را کشف کرد.

روش این تحقیق، همان روش تحلیلی مفهومی است که فقیهان، حقوق‌دانان و فیلسوفان حقوق در دانش‌هایی همچون فقه، اصول و فلسفه حقوق، قرن‌ها به کار می‌بسته‌اند. در این روش، وضوح، دقت و آشکاری مفاهیم و مسائل، نقشی اساسی و انکارناپذیر دارد و از این روست که فقیه یا حقوق‌دان برای کشف ماهیت مسئله و پاسخ آن، در حد وسع و امکان می‌کوشد از ابزارهای تحلیل، تجزیه و خردسازی ایده‌ها و افکار بهره بگیرد. به کارگیری این روش، در نوشتار پیش رو، با استفاده از منابع متنی و کتابخانه‌ای موجود، عمدتاً منابع فقهی شیعه و منابع مرتبط با حقوق ورزش، گره خورده است.

کلیدواژه‌ها: دوپینگ، قاعده لا ضرر، قواعد فقه، فقه شیعی، حقوق ورزش، مفهوم ضرر.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۱

تابستان ۱۴۰۲

۱۷۸

مقدمه

اکنون درباره ارتباط قاعده لا ضرر و دوپینگ، کتاب یا مقاله مستقلی نوشته نشده است. نوآوری این پژوهش در طرح پرسش‌ها، فروع جدید؛ نظیر انحصار یا شمول ضرر، علم و جهل به ضرر دوپینگ، ضرر نوعی / شخصی دوپینگ، میزان ضرر و مسئله عدمیات و نیز استفاده از ظرفیت‌های مفهومی - تحلیلی قاعده لا ضرر در فهم مسئله نوآمد دوپینگ است. عمده مثال‌ها، فروع و استدلال‌های این مقاله در مقالات و کتب حقوقی پیرامون دوپینگ سابقه‌ای ندارد و نوآمد است، از این رو، می‌تواند مصداقی برای خروجی و پی‌آمد یک علم (قواعد فقه) برای دانشی دیگر

(حقوق ورزش) باشد. مضافاً ادعای ما این است که ابعاد و زوایای گوناگون این مقاله می‌تواند در مسیر تبیین حکم فقهی دوپینگ گره گشا باشد.

پیش از آنکه به حکم تکلیفی دوپینگ بپردازیم، مناسب است ابتدا بررسی کنیم اساساً دوپینگ چیست. معمولاً از هر پدیده پیچیده تعریف‌های گوناگونی ارائه می‌شود و این گوناگونی، به‌خودی‌خود، مناقشه‌انگیز و رهنز خواهد بود. اما به‌هرحال، از توجه به تعاریف رایج، گریزی نیست که البته تا حدودی نیز راهگشا هستند.

۱. چیستی و تعریف دوپینگ

برای نزدیک شدن به فهمی عرفی و متداول از دوپینگ می‌توان به فرهنگ‌های عامه‌پسند و پرکاربرد رجوع کرد. برای نمونه بر اساس آنچه در دیکشنری آکسفورد^۱ آمده: «دوپینگ یا زورافزایی به معنای استفاده ورزشکار در ورزش‌های رقابتی از مواد یا روش‌هایی است که موجب افزایش کارایی در ورزش می‌شود.»

این تعریف نسبت به بسیاری از مسائل، خنثی^۲ یا لابشرط است؛ بدین معنا که آن‌ها را نفیاً یا اثباتاً مطرح نکرده است. مثلاً اصلاً به قیدهایی همچون قصد، اراده یا نیت ورزشکار اشاره نکرده است.

در تعریفی مشابه به‌جای تعبیر «موجب»، در تعریف فوق، از تعبیر «به قصد» استفاده کرده است. روشن است که با تمرکز یا عدم تمرکز بر عنصر قصد، به لحاظ فقهی و حقوقی تفاوتی جدی، رخ خواهد داد.

به نظر نگارندگان این نوشتار، دوپینگ به معنای موسع کلمه به مسابقات ورزشی منحصر نیست و برای مثال، شاید بتواند شامل مسابقات غیرورزشی، آزمون‌های گوناگون و نیز هر عرصه یا میدان رقابتی باشد. ماهیت دوپینگ به معنای فراگیر کلمه ناظر به نوعی فریبکاری پنهانی است که به دیگری (اعم از حریف ورزشی،

1. <https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english/doping>

2. neutral

رقیب در آزمون یا... زیان می‌رساند. این ماهیت فراگیر است و هیچ‌گونه انحصاری در ورزش ندارد. از آنجا که مباحث میان‌رشته‌ای فقهی-حقوقی به ابتکار و نواندیشی بیشتری نیاز دارند، در بحث کنونی ما، گاه این معنای موسع دوپینگ نیز به میان خواهد آمد. به هر صورت، دوپینگ به معنای خاص کلمه، به‌عنوان یکی از موضوعات تخصصی یک رشته علمی ویژه به نام پزشکی ورزش، همواره کانون توجهات و گفتگوهای تفصیلی بوده است.

تعریف کمیسیون پزشکی کمیته بین‌المللی دوپینگ چنین است: «دوپینگ عبارت است از تجویز یا استعمال هر نوع ماده خارجی و یا هرگونه ماده فیزیولوژیک در بدن با مقادیر غیرطبیعی یا از راه‌های غیر معمول توسط ورزشکار مسابقه‌دهنده با هدف انحصاری افزایش کاذب کارایی و توانایی‌های خویش در مسابقه» (اکبرنژاد، ۱۳۹۳، ۴۶؛ حلب‌چی، ۱۳۸۰، ۱۳).

همان‌گونه که روشن است، این تعریف از تعریف پیشین پیچیده‌تر بوده و از عناصری نظیر ماده فیزیولوژیک، مقادیر غیرطبیعی یا راه‌های غیر معمول استفاده کرده است. این عناصر طبیعتاً خود نیاز به تعریف مجزا دارند. مثلاً می‌توان پرسید چه مقادیری غیرطبیعی تلقی می‌شود و چرا؟ یا راه‌های معمول با راه‌های غیر معمول، به لحاظ علمی، چه تفاوت دقیقی دارد؟

با توجه به این که اساساً همیشه تعاریف می‌توانند محل بحث و اختلاف باشند، ترجیح نگارندگان این است که برای پیشبرد بهتر بحث، به جای تکیه بر تعاریف، به مثال‌ها و نمونه‌های روشن بپردازیم. امروزه مطالعات موردی در پیشبرد همه دانش‌ها نقشی قابل توجه دارد. در این مطالعات، تلاش می‌شود که از ارائه تعاریف انتزاعی پرهیز و بر مصادیق روشن و کمتر اختلاف‌برانگیز تأکید شود.

پیش از آنکه به بحث نمونه‌ها بپردازیم، ذکر چند نکته درباره رویه‌های قانونی و کنوانسیون‌های بین‌المللی لازم است:

الف. آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ (The World Anti-Doping Agency) یا به اختصار، WADA و به فارسی، «وادا») مسئول توسعه و یکسان‌سازی قوانین ضد دوپینگ در سراسر جهان است. دو شاخص عمده برای قرار گرفتن یک دارو در

فهرست ممنوعهٔ «وادا» تعریف شده است: یکی آنکه ماده موردنظر افزایش دهنده سطح عملکرد باشد و استفاده از آن خطراتی را متوجه سلامتی ورزشکار کند^۱ که این امر با روح ورزش ناسازگار است؛ دوم اینکه مصرف ماده موردنظر از لحاظ اجتماعی نامناسب باشد، مانند ماری جوانا (که حتی باعث افزایش عملکرد نمی شود) (اکبرنژاد، ۱۳۹۳، ۵۰). در ادامهٔ نوشتار، آنجا که به بحث کلیدی ضرر از منظر شیعی می رسیم، توجه به این «خطرات برای سلامت ورزشکار» بسیار راهگشا خواهد بود.

ب. طبق قوانین وادا، این موارد جرائم دوپینگ هستند: وجود ماده ممنوعه یا نشانگرهای آن در نمونه بدنی ورزشکار، استفاده یا تلاش برای استفاده از ماده یا شیوهٔ ممنوعه، طفره از انجام نمونه گیری یا آزمایش، دست کاری آزمایش، همراه داشتن ماده یا روش ممنوعه، قاچاق و تجارت مواد ممنوعه، مشارکت در تخلفات (اکبرنژاد، ۱۳۹۳، ۵۱).

مشخص است که این لیست، انواعی از گزینه‌های احتمالی در مسیر تحقق و ارتکاب دوپینگ را پررنگ ساخته و همهٔ این گزینه‌ها، صرفاً مواردی از باب استقرای ناقص هستند که برای بازداشتن از آن «خطرات برای سلامت» یا همان ضرر دوپینگ پیش کشیده شده‌اند.

ج. گزارش‌های پزشکی، ورزشی و حقوقی دربارهٔ ماهیت آسیب‌زا و ضررآفرین دوپینگ بیش از آن است که بتوان فهرستی در این نوشتار، از آن‌ها ارائه کرد. اما درعین حال، صرفاً به یک نمونه، اشاره می‌شود:

مرگ زودرسِ قطعی یا به احتمال زیاد، یکی از عوارض برخی از انواع دوپینگ است. یکی از قدیمی‌ترین گزارش‌ها، آمیزه‌ای از زیان جسمانی و سود اقتصادی ظالمانه را یادآور می‌شود؛ در سال ۱۸۸۶ میلادی در مسابقات «توردوفرانس» که در مسافتی حدود ۶۰۰ کیلومتر بین بوردو و پاریس انجام شد، یک دوچرخه‌سوار انگلیسی به نام لیتون^۲ در اثر استفاده زیاد از مواد محرک جان سپرد. مرگ وی

۱. خطوط زیر کلمات صرفاً برای تأکید از سوی نویسندگان این مقاله افزوده شده است و در متن اصلی یا ترجمهٔ فارسی آن نیست.

2. Linton

در اثر طمع سرپرست تیم انگلیسی وی که درعین حال صاحب یک کارخانه بزرگ دوچرخه‌سواری در بریتانیا بود، گزارش شده است. این سرپرست طمع کار می‌خواست با قهرمان شدن دوچرخه‌سوار، نام کارخانه خود را بر سر زبان‌ها جاری سازد و میلیون‌ها لیره به حساب‌های بانکی خود در انگلستان سرازیر کند.

بسیاری از موارد استعمال مواد نیروزا و دوپینگ به مرگ ورزشکار منجر شده و خواهد شد اما درعین حال، بر اساس گزارش‌های متعدد پزشکی و ورزشی، ده‌ها نوع مواد و روش‌های گوناگون دوپینگ، منجر به صدها نوع بیماری، عوارض عصبی، قلبی، مغزی و جسمانی گوناگون خواهد شد که در بخش بعد مختصراً به آن ضررها اشاره خواهد شد.

۲. مصادیق دوپینگ

بیان این نکته را لازم می‌دانیم که ایجاد تغییرات فیزیکی در بدن، افزایش کارایی و توانایی بدن و نیز زورافزایی منحصر در امور مربوط به ورزش نیست. در رقابت‌ها و مسابقات گوناگون نظیر انواع رقابت‌های علمی، شغلی، اجتماعی و... به راحتی می‌توان تصور کرد که انواع گوناگونی از افزایش مصنوعی توانایی‌های فرد، امکان‌پذیر است. فرض کنید در یک مسابقه هوش یا سنجش قدرت حافظه یا در یک المپیاد علمی که در سطح یک دانشگاه یا شهر و کشور برگزار می‌شود، یکی از دانشجویان از مواد یا داروهایی استفاده کند که صرفاً در همان چند ساعت رقابت بتواند قدرت حافظه یا تمرکز خود را به صورتی چشمگیر تغییر دهد، در این صورت رقابتی غیرعادلانه و نابرابر شکل خواهد گرفت. روشن است که در چنین حالاتی نیز انواعی گوناگون از دوپینگ مطرح خواهد بود و احکام حقوقی و فقهی مربوطه قابل تسری است. در عرصه امور اجتماعی متعارف همچون گزینش همسر نیز می‌توان مواردی را تصور کرد که اعمال تغییرات فیزیکی در بدن می‌تواند فریب‌آمیز و زیان‌آفرین باشد. فرض کنید شخصی که مشکلات جسمی حرکتی دارد، با استفاده از داروها یا مواد نیروزای قوی، صرفاً در یک بازه زمانی چندساعته در خواستگاری، مشکلات جسمی خود را پنهان کند و به گونه‌ای همسر آینده خود را فریب دهد.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۱

تابستان ۱۴۰۲

۱۸۲

روشن است که در چنین حالاتی نیز دوپینگ به معنای موسع کلمه کاربرد خواهد داشت.

اما دوپینگ به معنای خاص کلمه؛ یعنی دوپینگ در ورزش، به عنوان یک پدیده واقعی انواع مختلفی دارد. شناخت هر یک از این انواع می تواند نشان دهد که رویکرد فقهی مقتضی برای مطالعه آن و حکم شرعی متناسب با آن، چیست یا چه می تواند باشد. به نظر نگارندگان این نوشتار، در تمامی انواع دوپینگ، چه دوپینگ به معنای خاص کلمه یعنی دوپینگ در ورزش و چه دوپینگ به معنای موسع کلمه، گونه ای فریب، اظهار دروغ آمیز یا غیر واقعی توانایی های فرد و عدم صداقت وجود دارد. احتمالاً بتوان با توجه به احکام اخلاقی مربوط به اموری نظیر ممنوعیت کذب، فریب و وارد ساختن زیان بر دیگران، وجه اشتراک یا شباهتی میان انواع گوناگون دوپینگ یافت.

در اینجا لازم است که اشاره ای مختصر به انواع دوپینگ از باب موضوع شناسی بحث داشته باشیم. دوپینگ انواع مختلفی دارد؛ قدیمی ترین و رایج ترین نوع آن، دوپینگ با مصرف برخی داروها است که از طریق خوردن، نوشیدن یا تزریق، نیروی ورزشکار افزایش می یابد. انواع دیگر آن، دوپینگ خونی (حبیبی نیا، ۱۳۸۴، ۲۴)، دوپینگ ژنی (اکبرنژاد، ۱۳۹۳، ۱۴۴) و ... هستند. داروهای ممنوعه دوپینگ به چند دسته تقسیم می شوند: داروهای محرک سیستم اعصاب مرکزی (حبیبی نیا، ۱۳۸۴، ۲۴)، داروهای مُدر، آستروئیدهای آنابولیزان (کاشی و کارگرفرد و سرلک، ۱۳۸۸، ۱۶۵) و ... عمده مصادیق دوپینگ و داروهای دوپینگ به انواعی گوناگون از عوارض و خطرات عصبی، قلبی و عروقی، ذهنی و روانی منجر می شوند و اختلالات و آسیب های جدی را برای ذهن و جسم فرد و حتی در برخی حالات مرگ را به همراه خواهند داشت (سلامی، ۱۳۸۸، ۲۵).

بعد از ذکر اجمالی انواع دوپینگ و آشنایی با تبعات آن، در ادامه به موضوعاتی می پردازیم که با توجه به اهداف این مقاله کشف و پی ریزی شده است. البته این موضوعات صرفاً بر اساس استقرا گردآوری شده و از این رو، جنبه حصری ندارد و قابل تکثیر و تنويع خواهد بود.

امکان سنجی استفاده
از قاعده لاضرر در
تحلیل پدیده دوپینگ
۱۸۳

۳. دوپینگ و انواع گوناگون ضرر

با توجه به اینکه دوپینگ از مسائل جدید و مستحدثات تلقی می‌شود، باید با توجه به تبعات و پیامدهای گوناگون و روح حاکم بر مصادیق گوناگون دوپینگ بکوشیم سرنخ‌ها یا نشانه‌هایی بیابیم که به ما در فهم حقوقی فقهی این پدیده کمک کنند. به نظر نویسندگان این مقاله، این تبعات و پیامدهای گوناگون می‌تواند شامل انواعی از ضرر و زیان باشد.

به نظر ما پدیده دوپینگ با انواع و اشکال متعددی از ضرر می‌تواند مرتبط باشد، همچون:

۱. ضرر فردی؛ هنگامی که آثار و تبعات دوپینگ محدود به خود فرد باشد.
۲. ضرر اجتماعی؛ هنگامی که علاوه بر فرد مرتکب، گروه یا مجموعه‌ای از افراد دیگر نیز متضرر می‌شوند؛ مثل زبانی که متوجه دیگر اعضای تیم یا رقیب می‌شود.
۳. ضرر جسمی؛ با بررسی موضوعی، روشن شد که دوپینگ، در کوتاه مدت و بلندمدت، آسیب‌های جسمی قابل توجهی را به خود شخص وارد کرده و چه بسا رقبا نیز به علت دشواری رقابت، دچار آسیب شوند.
۴. ضرر ذهنی روانی؛ با انجام دوپینگ، خود شخص و رقیبش به لحاظ ذهنی، شخصیتی یا روان‌شناختی، ممکن است دچار اختلال‌ها و چالش‌هایی نظیر اضطراب، خشم، افسردگی و... شوند.
۵. ضرر مالی؛ ممکن است در پی دوپینگ، خود مرتکب یا رقبای او از منافع مالی مثل جایزه و پاداش محروم شده یا هزینه‌ای بر ایشان تحمیل شود.
۶. ضرر معنوی حیثیتی؛ در پی اثبات دوپینگ، وجهه و اعتبار حرفه‌ای فرد یا تیم مخدوش می‌شود.
۷. ضرر اخلاقی؛ روحیات و ویژگی‌های اخلاقی نظیر صداقت، انصاف، انسان‌دوستی و... در فرد تغییر می‌کند.

۸. زیان علمی؛ هنگامی که اعمال تغییرات فیزیکی یا ذهنی و دوپینگ به معنای موسع کلمه (اعم از امور ورزشی و غیرورزشی) در عرصه رقابت‌های علمی نظیر المپیادهای علمی یا مسابقات هوش انجام شود و منجر به حذف نخبگان از عرصه

رقابت‌ها و پیروز شدن افراد متقلب و ضعیف شود و به تدریج چنین افرادی با توجه به شهرت کاذب خود در عرصه‌های علمی و آموزشی به گسترش نظریات علمی ضعیف، بی‌پایه و اساس و دروغ‌آمیز بپردازند.

۹. وارد ساختن زیان به بنیان‌های خانواده؛ در صورتی که دوپینگ به معنای عام کلمه در عرصه امور اجتماعی نظیر انتخاب همسر به اظهار غیرواقعی و دروغ‌آمیز ویژگی‌هایی منجر شود و بر اساس چنین اظهاری، ازدواج شکل بگیرد و بعد از ازدواج وقتی که حقیقت کشف شد، خانواده‌ها دچار فروپاشی و طلاق شوند. فرض کنید یک خواستگار که مشکلات ذهنی، حافظه، بینایی یا مثلاً مشکلات حرکتی دارد، صرفاً در مرحله خواستگاری با استفاده از یک سری داروهای قوی ممنوعه بتواند مشکلات خویش را از چشم همسر آینده خود پنهان سازد و شخص مقابل نیز در دام اقدام فریب‌آمیز او گرفتار شود و ازدواج نهایتاً انجام پذیرد. روشن است که این قبیل اعمال تغییرات فیزیکی یا ذهنی به تدریج رنگ باخته و حقیقت آشکار خواهد شد و نهایتاً آنچه صدمه خواهد دید، بنیان خانواده و اعتماد دوسویه همسران خواهد بود.

البته باید توجه داشت که هر یک از زیان‌های پیش گفته ممکن است گاهی به‌طور مقطعی و کوتاه‌مدت ایجاد شده و قابل محاسبه و جبران باشد یا گاهی تبعات پیچیده و پایدار به دنبال داشته و اساساً به‌راحتی قابل محاسبه و جبران هم نباشد.

در توضیح بیشتر باید گفت: در برخی موارد دوپینگ، میزان ضرر محدود بوده و قابل محاسبه دقیق یا نزدیک به‌واقع خواهد بود. برای مثال، در یک مسابقه یا رقابت کوچک دوستانه در سطح یک محله با یک جایزه معمولی چنانچه دوپینگ صورت بگیرد، به‌راحتی می‌توان میزان خسارت را محاسبه کرد و پس از کشف و احراز دوپینگ، جایزه را از فردی که دوپینگ کرده، پس گرفت و به فرد دیگر داد یا اساساً مسابقه را ملغی کرد اما در عرصه رقابت‌های فراگیر ملی یا بین‌المللی، که ابعاد زیان وارد شده بسیار پیچیده و در هم تنیده است، و در سطوح گوناگون به روح و روان و احساسات جامعه، شهرت ورزشکار و تیم او و آینده مالی و اقتصادی یک مجموعه منسجم اجتماعی زیان وارد آمده، محاسبه دقیق میزان زیان اساساً می‌تواند مقدور نباشد.

امکان‌سنجی استفاده
از قاعده لا ضرر در
تحلیل پدیده دوپینگ

۱۸۵

مضافاً دوپینگ با انواعی از ظلم، تعدی و اجحاف نیز گره خورده که شرح آن‌ها و قواعد فقهی مرتبط، در این مقال نمی‌گنجد. انواع گوناگونی از ظلم، نادیده انگاری و اجحاف نسبت به حقوق دیگران به واسطه شکست دادن ناجوانمردانه رقیب در میدانی ورزشی قابل تصور خواهد بود. همچون نقض حقوق جامعه ورزشی، نقض حقوق رقبا، نقض حقوق عموم مخاطبان و افکار عمومی. کافی است بدانیم که این پیامدها و تبعات گوناگون دوپینگ هر یک به تنهایی می‌تواند نشانه خوبی باشد و به ما کمک کند که به احکام تکلیفی مربوطه نزدیک شویم. در توضیح بیشتر باید افزود که هرچند کلیدواژه دوپینگ یا واژگان مرتبط با آن هیچ سابقه روشنی در آیات، روایات و دیگر منابع فقهی ندارند اما اگر ما بتوانیم اثبات کنیم که انواع و اقسام دوپینگ با انواع و اقسامی از ضرر، ظلم، تعدی و امثال آن گره خورده و درهم تنیده‌اند و از آنجا که آیات، روایات و قواعد فقهی به روشنی با این قبیل امور مخالفت کرده‌اند، خواهیم توانست احکام مربوطه را درباره این مصادیق جدید کذب، ظلم و... نیز جاری بدانیم.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۱

تابستان ۱۴۰۲

۱۸۶

۴. حکم شرعی دوپینگ

پس از تبیین موضوعی این پدیده، نخستین داوری در خصوص آن از نظرگاه حقوق اسلامی، تشخیص حکم تکلیفی آن از میان احکام پنج‌گانه است که البته با وجود احراز مضرات آن، شاید پذیرش حکم حرمت برای آن چندان مواجهه با تکلف نباشد اگرچه در صورت عدم پابندی به این حکم، مسئولیت اخلاقی و مدنی نیز متوجه فرد خاطی خواهد بود. ضمن آن که جهت تبیین جهات مختلف مسئولیت، می‌توان به قواعد و ادله دیگری از جمله، حرمت تدلیس و فریب، قاعده انصاف، قاعده عدالت، غرور، تسبیب، حرمت اضرار به نفس و... استناد جست.

۱-۴. نهی از ضرر در قرآن و ارتباط آن با حرمت دوپینگ

در آیاتی از قرآن کریم از انواع مختلف ضرر نهی شده است. این نهی فراگیر نسبت به هرگونه ضرر زدن به دیگران نشان می‌دهد که آسیب‌رسانی و زیان زدن به

دیگران، علی‌الاصول و اساساً مورد تأیید دین نیست مگر در موارد استثنا که ضررزدن ناگزیر است و حکمی ثانویه پیدا می‌کند، همچون ضرر ضروری در عمل جراحی از سوی طبیب که قهری و گریزناپذیر است؛ جراحی و وارد کردن به بدن شخصی دیگر اولاً و بالذات ممنوع است اما در حالت استثنایی جراحی از سوی طبیب می‌تواند حکمی ثانویه پیدا کند. ما در اینجا انواعی از ضرر که در قرآن از آن نهی شده را فهرست می‌کنیم تا متوجه رویکرد کلی قرآنی شویم.

۱-۱-۴. آیه اول: پدر و مادر به هم ضرر نزنند

﴿لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بَوْلِدًا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدًا﴾ (بقره/۲۳۳).

علامه طباطبایی در المیزان ذیل این آیه می‌نویسد: «اول اینکه حق حضانت و شیر دادن و امثال آن مال همسر است. پس شوهر نمی‌تواند به‌زور میان مادر و فرزند جدایی بیندازد و یا از اینکه مادر فرزند خود را ببیند، جلوگیری کند، برای اینکه این عمل مصداق روشن ضرر و حرج بر زن است. دوماً زن نیز نمی‌تواند در مورد بچه شوهر، به شوهر ضرر و حرج وارد آورد، مثلاً نگذارد فرزند خود را ببیند و از این قبیل ناراحتی‌ها را فراهم کند.» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۲/۳۵۹).

امکان‌سنجی استفاده
از قاعده لا ضرر در
تحلیل پدیده دوپینگ

۱۸۷

در این آیه می‌بینیم که زن و شوهر در امر فرزندداری باینکه طبیعتاً بسیار در معرض زیان‌زدن‌های کوچک یا بزرگ به یکدیگرند اما در عین حال از هرگونه ضررزدنی نهی شده‌اند. این آیه نشان می‌دهد که همسران باینکه بسیار بر یکدیگر حق دارند اما حق ندارند هیچ‌گونه ضرری بر یکدیگر وارد سازند. حال اگر ضرر زدن زوجین به یکدیگر ممنوع باشد، می‌توان چنین اندیشید که ضرر زدن در روابط اجتماعی و اقتصادی یا در مسابقات و رقابت‌ها که افراد چنین رابطه خانوادگی خاصی را ندارند، به‌طریق اولی ممنوع خواهد بود.

۲-۱-۴. آیه دوم: بازگشت به ازدواج

﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضَرَارًا لِيَتَّعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا

نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿بقره/۲۳۱﴾.

لحن آیه بسیار جدی و توییح گرایانه است و مخالفت با محتوای آیه را در حکم مسخره کردن آیات الهی می‌داند. آیه دربارهٔ مردانی است که بعد از طلاق، به زنان خود رجوع می‌کردند اما این رجوع نه برای نیتی خیر بلکه برای آزار رسانی و تعدی به آنان و مثلاً ندادن حقوق آنان بود. فاضل مقداد در این رابطه می‌گوید: با قصد اضرار به زنان به آنان رجوع نکنید و با طولانی نمودن نگهداری نزد خودتان یا به اجبار بخشیدن مهریه به آنها ظلم نکنید (فاضل مقداد، بی‌تا، ۲/۲۸۲).

نکتهٔ شایان ذکر این است که اگرچه ازدواج کردن و رجوع کردن به زنان بعد از طلاق عملی پسندیده است و خداوند همان قدر که از طلاق نهی کرده، به ازدواج فرمان داده است اما در عین حال، همین عمل پسندیدهٔ ازدواج اگر با نیت زیان زدن باشد در حکم تعدی به خداوند و تمسخر آیات الهی خواهد بود. این در واقع ماهیت غیراخلاقی و سیاه زیان زدن به دیگران را نشان می‌دهد. حال که ماهیت ازدواج همراه با زیان زدن، این قدر زشت و غیراخلاقی است، در سایر امور زندگی اجتماعی همچون معاملات، قراردادها، مسابقات و رقابت‌ها روشن است که زیان زدن چقدر نامطلوب خواهد بود. دوپینگ نیز با توجه به ماهیت ضرری اش (اعم از ضرر زدن به جسم خود شخصی که دوپینگ می‌کند و ضرر زدن به جسم، آبرو، ذهن و روان رقیب و...) نیز می‌تواند ممنوع تلقی شود.

جستارهای
فقهی و اصولی
سال نهم، شماره پیاپی ۳۱
تابستان ۱۴۰۲
۱۸۸

۳-۱-۴. آیهٔ سوم: وصیت کردن شخص دربارهٔ اموال خودش نباید منجر به

ضرر شود

﴿مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دِينَ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ﴾ (نساء/۱۲).
در این آیه خداوند نشان می‌دهد که وصیت افراد دربارهٔ اموالشان بعد از مرگ نباید ضرر آفرین باشد و به قصد ضرر زدن و اذیت کردن ورثه باشد؛ یعنی صرفاً وصیتی که در آن، موصی به ورثه زیان نزند، نافذ و لازم‌الاجرا است؛ چون چه بسا موصی به قصد اضرار به ورثه به دینی اقرار کند یا مثلاً وصیتی ظالمانه کند و بدین وسیله یک

یا چند تن از ورثه را از میراث خود محروم سازد. این آیه می‌تواند تا حد قابل توجهی توضیح دهد که هرگونه ضرر اساساً در اسلام ممنوع است، حتی ضرری که افراد از طریق اموال خودشان و وصیت خودشان بخواهند به دیگران وارد سازند. این آیه نیز دربارهٔ خویشاوندان است و نشان می‌دهد که حتی میان نزدیکان ضرر زدن مورد نهی خداوند است. پس در روابط غیرخانوادگی، نظیر آنچه در رقابت‌ها و مسابقات می‌بینیم، به‌طریق‌اولی ضرر زدن می‌تواند زشت و ناپسند تلقی شود.

همان‌طور که در سه آیهٔ پیشین دیدیم، جایی که نزدیکان همچون زن و شوهر یا وصی و موصی له نباید روابط ضرری با یکدیگر داشته باشند پس می‌توانیم به این نکته برسیم که غیرخویشاوندان به‌طریق‌اولی در روابط اجتماعی نظیر مسابقات و رقابت‌ها باید از هرگونه ضرر زدن به یکدیگر و از جمله دوپینگ کردن بر حذر باشند.

۲-۴. قاعده لا ضرر و ارتباط آن با حرمت دوپینگ

قاعده لا ضرر، از مهم‌ترین قواعد فقهی شیعه بوده و بسیاری از فقیهان شیعه آن را بنیان فقه دانسته‌اند (بجنوردی، ۱۳۸۹، ۱۷/۲). در اغلب نظام‌های حقوقی جدید، این موضوع با عنوان «عدم جواز سوءاستفاده از حق» مطرح شده است^۲ و می‌توان گفت منشأ عقلی دارد. محقق داماد معتقد است: «مدلول این قاعده جزء «مستقلات عقلیه» است که عبارتند از اموری که بدون حکم شرع، خود عقل به آن‌ها می‌رسد» (محقق داماد، ۱۳۶۶، ۱۳۱/۱). این قاعده اگرچه ریشه‌ای عقلی و جهان‌شمول دارد اما اسلام این قاعده را با تعبیر «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»، مطرح ساخته است.

یک نکته مهم در دفاع از قاعده لا ضرر این است که اگرچه بنای عقلا را می‌توان یکی از دلایل اعتبار این قاعده دانست اما درعین حال این بنا یا سیرهٔ عقلا، افزون بر اینکه نشان می‌دهد که عقلا بما هم عقلا (از حیث عقلانی خود)

1. Principle of Abuse of Rights

۲. برای اطلاعات بیشتر، ر. ک:

Michael Byers, 'Abuse of Rights: An Old Principle, A New Age' (2002) 47, McGill Law Journal

چگونه رفتار می کنند، تنها دلیل اعتبار عقلی این قاعده نیست؛ چون یکی از مهم ترین دلایل آن را می توان حکم خود عقل به قبح یا زشتی هرگونه ظلم دانست و از آنجا که ضرر زدن به دیگران قطعاً مصداقی از ظلم است، پس این سیره و بنای عقلا، منشأ عقلی مستقل نیز دارد. توضیح بیشتر مطلب این که بسیاری از رفتارها می تواند در رفتار یا سیره عقلا جریان داشته باشد، حال آنکه ما نمی دانیم این رفتار منشأ عقلی محض نیز دارد یا آنکه صرفاً به صورتی اتفاقی و بدون دلیل عقلی خاص، در رفتار آن ها جریان یافته است. برای مثال، بسیاری از رفتارها نظیر احوال پرسی کردن یا امثال آن در رفتار عموم عقلاهی جهان جریان دارد. تشخیص اینکه آیا علت شکل گیری و رواج این قبیل رفتارها صرفاً اموری فرهنگی، گروهی و وابسته به منطقه و آداب و رسوم و عرف است یا اینکه منشأ عقلی و فراملی و فراقومی دارد، دشوار است. درباره قاعده لا ضرر باید گفت: رفتار و سیره رایج عقلا در پرهیز و نهی از ضرر وارد ساختن به دیگران، به وضوح، ریشه ای عقلی و بدیهی دارد که همان قبح عقلی ظلم است.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۱

تابستان ۱۴۰۲

۱۹۰

۱-۲-۴. متن حدیث لا ضرر

«... فقال رسول الله صلى الله عليه وآله للنصارى اذهب فاقلعها وارم بها اليه فانه لا

ضرر ولا ضرار» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۲۹۲؛ ر.ک به سیستانی، ۱۴۱۴، ۱۳).

آیت الله سیستانی در توضیح دلالت این حدیث بیان می دارد: «اما فراز اول در این حدیث، یعنی «لا ضرر» حاکی از نفی جعل حکم ضرری است... این به راستی واضح است که متعلق نفی در این فراز ضرر است و هر کس که زبان عربی را بشناسد، درمی یابد که این ضرر از آن حیث که مربوط به شخص زیان دیده است، نفی شده است. پس این ضرر به معنای اسم مصدر مثل مضرّه و منقصت (یا زیان) به کار رفته است و نه به معنای مصدری آن یعنی «زیان زدن». پس این تعبیر «لا ضرر» همچون «لا حرج» خواهد بود؛ یعنی از آنجا که مکلف احتمال دارد گمان کند که شارع یک عمل دشوار یا حرجی را تشریح کند، این تعبیر نشان می دهد که آن حرج احتمالی نفی شده و شارع چنان حکمی را تشریح نمی کند. در لا ضرر

هم این گونه است؛ یعنی شارع در فراز لا ضرر می گوید که هیچ حکمی که مستلزم زیان دیدن (به معنای اسم مصدری و نه به معنای مصدری یا زیان زدن) شخص باشد، تشریح نمی شود.». پس آیت الله سیستانی همانند مسلک مشهور، فراز ابتدایی حدیث؛ یعنی بخش «لا ضرر» را به معنای نفی تسبیب ضرر از طریق نفی جعل حکم ضرری می داند اما در فراز دوم حدیث؛ یعنی «لا ضرار»، که ضرار به معنای زیان زدن مستمر یا متکرر است و زیان زدن به غیر، عملی است که انسان با توجه به طبع خود و برای برآورده ساختن انگیزه های نفسانی خویش مرتکب می شود، ایشان معتقد است که وقتی از اضرار در این حدیث یا در برخی از آیات قرآن نهی می شود، این نهی به وضوح ظهور در نهی تحریمی دارد تا بتواند مانع مکلفان از ارتکاب چنین عملی شود (سیستانی، ۱۴۱۴ق، ۱۴۸).

ایشان بر این باور است که این حدیث از این سه طریق یا به این سه روش از ضرر مانع می شود:

اول: جعل حکم تکلیفی مانع از ضرر؛ یعنی جعل حکم تحریم که این جعل، در دل خود وعید اموری همچون عذاب اخروی، مجازات دنیوی از طریق تعزیر حاکم و نیز ضمان در موارد اتلاف را دارد؛

دوم: تشریح موانع بازدارنده از ضرر؛ همچون تجویز از بین بردن وسیله ضرر مثل تخریب مسجد ضرار یا از بین بردن درخت خرما در داستان سمره. این تشریح موانع بازدارنده، به نظر آیت الله سیستانی، بر پایه سه قانون است: قانون نهی از منکر، قانون اقامه عدالت اجتماعی میان مردم و نیز قانون حمایت قضائی وقتی که بازداشتن از ضرر مستلزم حکم قضائی باشد؛

سوم: تشریح احکامی که موضوع ضرر زدن یا همان اضرار را از بین می برند؛ همچون جعل حق شُفعه برای از بین بردن شرکت وقتی که شرکت موضوع ضرر است (سیستانی، ۱۴۱۴ق، ۱۵۰-۱۵۱).

به نظر ما، این حدیث با توجه به دو فراز بسیار مهم «لا ضرر» و «لا ضرار» می تواند درباره رقابت ها و مسابقات ورزشی و به ویژه در بحث دوپینگ راهگشا باشد. اگر همراه با آیت الله سیستانی، فراز اول را بتوان به معنای اسم مصدری یا همان

امکان سنجی استفاده
از قاعده لا ضرر در
تحلیل پدیده دوپینگ

۱۹۱

زیان دیدن و فراز دوم را به معنای مصدری یعنی ضرر زدن دانست، این هر دو سنخ در مورد دوپینگ نیز به روشنی قابل بررسی خواهد بود. به این معنا که:

اولاً: کلیه احکامی که مستلزم ضرر دیدن رقبای ورزشکار متخلف است، از نظر شریعت نفی می شود. پس هرگونه جواز خوردن، نوشیدن یا استعمال مواد نیروزا که مستلزم زیان دیدن رقبا باشد، ممنوع خواهد بود و اساساً چنین جوازی جعل نشده و جعل آن نفی شده است.

ثانیاً: هرگونه اضرار یا ضرر زدن به دیگران از طریق دوپینگ، در دایره اعمال تکلیفی حرام قرار خواهد گرفت و دچار عقوبت اخروی، مجازات یا تعزیر دنیوی و طرق یا شیوه های ارتکاب به آن ممنوع خواهد بود و نیز عوامل بازدارنده از آن از قبیل منع خرید و فروش مواد دوپینگ زا، وجوب جبران ضرر طرف مقابل یا ضمان، وجوب از بین بردن مواد دوپینگ و مقابله با آن یا احکام مشابه، برای حمایت از این جنبه تکلیفی و منع ضرر، جایگاهی شرعی خواهد داشت.

ذکر یک نکته درباره ضرر متدارک لازم است. برخی از فقها، همچون ملا عبدالله مشهور به فاضل تونی (از فقیهان امامی قرن یازدهم)، در توضیح حدیث لا ضرر معتقدند که در این حدیث ضرر غیر متدارک (یا جبران نشده) نفی شده است. به عبارت دیگر، اگر کسی به دیگری ضرر بزند، موظف است آن را جبران کند و ضرر غیر متدارک در اسلام وجود ندارد و نفی شده است. بحث درباره دیدگاه فاضل تونی و مخالفان این رأی، در این نوشتار نمی گنجد اما به هر رو، در بحث دوپینگ، در بسیاری از موارد، جبران ضرر تقریباً ناممکن است؛ چون مثلاً حیثیت یا اعتبار از دست رفته ورزشکاری که به ناحق جایگاه ملی یا بین المللی خود را به دلیل دوپینگ رقیب از دست داده، قابل بازگشت یا حتی محاسبه پذیر نیست. در عین حال، حتی در مواردی که فرضاً جبران مقدور باشد، به آسانی می توان به حرمت و ممنوعیت دوپینگ به دلیل ضرر وارد شده معتقد بود و همین اندازه برای نوشتار ما کافی است. طبیعی است که بحث مسئولیت مدنی، کیفری و مباحث مربوط به ضمان و ... خارج از محدوده نوشتار کنونی است و به مقاله ای مستقل نیاز دارد.

۲-۲-۴. انحصار یا شمول ضرر

در برخی منابع، این ادعا مطرح شده است که ضرر فقط شامل نقص در مال و بدن می‌شود (بجنوردی، ۱۳۷۷، ۶۱)؛ زیرا امور دیگر نقص ناپذیرند. اما برخی نظیر شهید صدر نقص به حقوق مربوط به عرض و کرامت را نیز ضرر پنداشته‌اند (حیدری، ۱۴۲۰، ۱۳۶). محقق عراقی (معروف به آقاضیاء) پارا فراتر از نهاده و حقی به نام «حق عرض» (حق آبرو و احترام افراد) را معرفی می‌کند که این حق اساسی با مصادیق ضرر مربوط است (عراقی، ۱۴۱۸، ۱۵۱). به نظر ما، یک پرسش حائز اهمیت این است که آیا برای تحقق ضرر علاوه بر نقص در امور فوق، نقص در مال، بدن و شهرت فرد، آسیب زدن به وضعیت روانی و روحی فرد نیز مصداق ضرر دانسته می‌شود یا نه؟ سؤال دیگر این که با فرض مصداق ضرر بودن آسیب‌های روانی، آیا برای تحقق ضرر، شخص زیان‌دیده حتماً باید مطلع باشد که به او زیان وارد شده است؟ این امر در ضررهای جزئی مؤثر است؛ زیرا چه بسا نقص جزئی اموال یا نقص جزئی بدن و مانند آن‌ها در نگاه عرف با توجه به عنصر روانی شخص، ضرر محسوب نشود. از این رو، برخی بر این باورند که ضرر عنوانی است که از نقص در مال و عرض انتزاع می‌شود مشروط بر آنکه به درجه‌ای باشد که شخص متضرر به حسب طبع خویش احساس ناراحتی، ضیق و شدت کند. البته احساس ناراحتی و رنج به‌تنهایی نیز برای تحقق ضرر کفایت نمی‌کند بلکه باید واقعاً نقص هم وجود داشته باشد (مظلوم، ۱۳۹۶، ۲۷).

از نظر یکی از علمای معاصر، واژه عربی «ضرر» به معنای نقص است و نقص در کرامت و اعتبار را می‌توان جایگزین نقص در عرض نمود تا قاعده شامل همه موارد ضرر در حیطه زندگی انسان شده و افزون بر این، حدیث بتواند با این تعبیر شامل مورد خود هم بشود. عرف نیز بر این معنا دلالت می‌کند (حیدری، ۱۴۲۰، ۲۸۳). توجه به بسط مفهوم ضرر تا آنجا که عرف هم مساعد معنا باشد، باعث می‌شود اجرای قاعده در مواردی که ضرر محسوس بر کرامت و اعتبار انسان وارد شود، ممکن باشد و الا فقها از اجرای قاعده در این موارد که گاهی هم شدیدتر از نقص مالی یا بدنی است، خودداری می‌کنند (حیدری، ۱۴۲۰، ۱۴۱).

امکان‌سنجی استفاده
از قاعده لا ضرر در
تحلیل پدیده دوپینگ
۱۹۳

برخی معتقدند آنچه در مورد قاعده لا ضرر اهمیت دارد، رابطه آن با احکام وضعی است و نوشته‌اند: «این - یعنی استفاده احکام وضعی از قاعده - همان چیزی است که به ما سود می‌بخشد وگرنه استفاده حکم تکلیفی از (ادله لا ضرر) شایسته بحث نیست» (مراغی، ۱۴۱۷ق، ۱/۳۱۷).

در اینجا فرض نگارندگان این مقاله چنین است که قاعده لا ضرر می‌تواند به‌عنوان یکی از ادله اصلی حرمت دوپینگ مدنظر قرار بگیرد. حال با توجه به این فرض باید بررسی کنیم که قاعده لا ضرر چه پاسخی به پرسش‌های پیش‌رو می‌تواند داشته باشد.

همان‌طور که گفته شد ما بر این رویکرد تأکید داریم که دلیل اصلی قاعده لا ضرر بنای عقلا و درک عقل است اما در صورتی که کسی معتقد باشد دلیل اصلی این قاعده، حدیث نبوی مشهور است، روشن است که در این حالت بحث‌هایی مربوط به معنا و ظهور این حدیث یا این قبیل احادیث پیش خواهد آمد. برای نمونه، از قدیم بحث مسووطی میان فقیهان بر سر معنای کلمه «لا» در عبارت «لا ضرر فی الاسلام» بوده است. برای مثال، بر اساس نظریه شیخ انصاری، چون تردیدی نیست که در عالم واقع و تکوین ضرر وجود دارد، باید کلمه‌ای را بعد از «لا» در تقدیر گرفت، مثلاً باید گفت که «لا حکم ضرری فی الاسلام» به این معنا که در اسلام

جستارهای
فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۱
تابستان ۱۴۰۲

۱۹۴

۱. همان‌طور که در بالا گفته شد «فرض» ما این است که قاعده لا ضرر از چنین ظرفیتی برخوردار است. اما ذکر این نکته می‌تواند مفید باشد که یکی از چالش‌های محتمل در برابر این فرض احتمالاً این خواهد بود که برخی مدعی‌اند قاعده لا ضرر اساساً درباره روابط مسلمانان با یکدیگر است و فی‌المثل به قیود «فی‌الدین» یا «فی‌الاسلام» در ادامه عبارت «لا ضرر» استناد می‌کنند. بر اساس این ادعا، قاعده لا ضرر درباره دوپینگ که غالباً در مسابقات ورزشی بین المللی و با ادیان مختلف صورت می‌پذیرد، کاربردی شایع نخواهد داشت اما همان‌طور که در بالا گفته شد، ما در این مقاله چنین فرض می‌کنیم که قاعده لا ضرر از ظرفیت قابل‌توجهی در حل مسائل فقهی و حقوقی مرتبط با دوپینگ برخوردار است و صرفاً محدود به روابط مسلمانان با یکدیگر نیست؛ زیرا متکی به پشتوانه‌های عقلانی و فرادینی گوناگونی است که جهان‌شمولند. مثلاً بر اساس دیدگاه آیت‌الله خویی، قاعده لا ضرر یک قاعده عقلانی است و مستند این قاعده رفع هرگونه ظلم و ستم نسبت به مردم بلکه نسبت به همه جانداران می‌باشد و این امر اختصاص به مسلمان و غیرمسلمان ندارد و اگر در برخی روایات کلمه «فی‌الاسلام» یا «علی‌المومن» آمده است، دلیل بر این نیست که این قاعده تنها برای مسلمانان است. همچنان که بسیاری از قواعد فقهی که مورد بحث قرار می‌گیرد، همچون قاعده عدالت، تنها اختصاص به دین اسلام ندارد بلکه بعنوان حقوق بشر، شامل همه انسان‌ها می‌شود (خویی، ۱۴۰۷ق، ۴۲۱).

حکم ضرری وجود ندارد (انصاری، ۱۳۷۴، ۳/۳۴۳). بدین ترتیب، اگر بتوان حرمت دوپینگ را مستند به قاعده لا ضرر دانست، باید گفت: از آنجا که شارع هر عمل مفیدی همچون ورزش یا حضور در مسابقات ورزشی را مباح دانسته است، هرگاه در موردی خاص این عمل مباح مستلزم یا همراه با یک عمل ضررآمیز همچون دوپینگ باشد، شارع آن عمل را (که در حالت غیرضرری مباح می‌دانست)، نامشروع دانسته و حضور ورزشکاری که دوپینگ کرده در مسابقات، دیگر عملی مباح نخواهد بود و از اسلام «نفی» شده است.

۳-۲-۴. ضرر نوعی یا شخصی

از نظر دلالت، در ابتدا باید دامنه ضرر را شناخت. مراد از ضرر، ضرر شخصی است نه نوعی (عراقی، ۱۴۱۸ق، ۲۰۹؛ بجنوردی، ۱۳۷۷، ۱/۲۳۷). البته شیخ انصاری نوشته‌اند از ظاهر عبارات برخی از فقها برمی‌آید که مراد، ضرر نوعی باشد اما ادله در ضرر شخصی ظهور دارند (انصاری، ۱۴۰۵ق، ۲/۵۳۷). نکته مهمی در فرمایش ایشان برای توجیه نوعی بودن ضرر وجود دارد که به‌ویژه در امر قانون‌گذاری مفید است؛ ایشان می‌فرمایند: اگر در صدق ضرر بر چیزی همین بس باشد که در اغلب موارد آن امر ضرری باشد، می‌توان پذیرفت که ملاک تطبیق قاعده، ضرر نوعی باشد نه شخصی (انصاری، ۱۴۰۵ق، ۲/۵۳۷). چنین تبیینی در تقنین و قضا بسیار مفید است؛ زیرا قانون‌گذار می‌تواند مصادیقی را به‌عنوان مصداق نوعی شمارش کرده در متن قانون قرار دهد و با این کار به اجرای آن و رسیدگی‌های قضایی در محاکم کمک کند.

معروف و مشهور میان فقها این است که ملاک ضرر در باب عبادات شخصی است ولی در باب معاملات نوعی است (سبحانی، تقریرات درس خارج اصول). در مقابل برخی از فقها، نظیر مرحوم آیت‌الله خویی، بر این نظرند که میزان ضرر مطلقاً، چه در عبادات و چه در معاملات، شخصی است (خویی، ۱۴۱۳ق، ۱/۱۷).

پرسش کلیدی‌ای در اینجا مطرح است که آیا اباحه یا استحباب ورزش و حضور

امکان‌سنجی استفاده
از قاعده لا ضرر در
تحلیل پدیده دوپینگ

۱۹۵

۱. قابل دسترسی در وب‌سایت مدرسه فقهات به آدرس:

<https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/osool/93/930714/>

در مسابقات ورزشی و حتی گاه ضرورت یا لزوم آن می‌تواند ورزش در جامعه اسلامی را در ذیل عنوان عبادات یا معاملات قرار دهد؟

براساس دیدگاه مشهور که ضرر را در معاملات نوعی و در عبادات شخصی می‌دانند، پاسخ این سؤال این گونه است؛ اگر شرکت در مسابقات ورزشی ذیل عنوان عقود یا معاملات و فعالیت‌های اقتصادی بگنجد و به ورزش به‌عنوان نوعی منبع درآمد و فعالیت اقتصادی نگاه شود، ملاک ضرر در دوپینگ نیز نوعی خواهد بود اما اگر ورزش و حضور در مسابقات ورزشی در مجموعه فعالیت‌های فرهنگی و غیراقتصادی بگنجد و به جنبه استجابی ورزش برای تقویت جسم و روح تأکید شود، بیشتر شبیه عبادات خواهد بود و ملاک ضرر دوپینگ نیز شخصی خواهد بود. به‌هرحال اگر ماهیت فقهی ورزش و شرکت در مسابقات ورزشی که پدیده‌ای جدید است، کشف شود، به‌آسانی می‌توان تشخیص داد که ملاک ضرر دوپینگ نیز ضرر شخص یک ورزشکار است، یا نوع ورزشکاران.

اما طبق نظر غیرمشهور که میزان ضرر را مطلقاً (چه در عبادات و چه در معاملات) شخصی می‌داند، میزان ضرر دوپینگ هم مطلقاً شخصی خواهد بود. در این حالت اگر دوپینگ برای ورزشکار ضرر نداشته باشد، هرچند برای نوع ورزشکاران مضر باشد، نمی‌توان از باب قاعده لا ضرر آن را نامشروع دانست و باید به قواعد فقهی یا مستندات دیگر رجوع کرد اما اگر دوپینگ برای نوع ورزشکاران ضرر نداشته باشد، مثلاً مقدارش خفیف باشد، اما بدن یک ورزشکار آن‌قدر ضعیف باشد که صرفاً برای شخص او مضر باشد، دوپینگ در چنین حالتی از باب قاعده لا ضرر ممنوع خواهد بود.

دو صورت دیگر نیز می‌توان تصویر نمود؛ صورتی که دوپینگ هم برای بدن و روح نوع ورزشکاران ضرر داشته باشد و هم برای یک ورزشکار خاص، تردیدی نیست که حکم حرمت دوپینگ، بر فرض ثبوت، در این مورد بین و روشن بوده و در حق آن شخص جاری خواهد بود. اگر فقهی معتقد باشد دوپینگ از باب اضرار، حرام است قاعداً یا ضرر شخصی ملاک فعلیت حرمت خواهد بود یا ضرر نوعی و قدر متیقن این است که درحالی که هم ضرر نوعی، یعنی بدن نوع ورزشکاران غالباً

یا اکثراً بر اثر چنان دوپینگ آسب خواهد دید، و هم ضرر شخصی است، دوپینگ ممنوع خواهد بود.

صورت دوم این که ممکن است دوپینگ برای نوع ورزش کاران مضر باشد اما برای یک ورزش کار خاص مضر نباشد که این عدم ضرر می تواند به علت قدرت بدنی بالای آن ورزش کار یا به خاطر سازگاری بدن او با این مواد باشد. در این حالت، اگر ضرر شخصی - و نه نوعی - را ملاک حرمت دوپینگ بدانیم، حرمت دوپینگ آن شخص خاص که بنابر فرض بدنی قوی دارد، نیاز به ملاکی غیر از اضرار خواهد داشت.

همچنین به نظر ما، این بحث را می توان با تمایز ضرر مطلق و مقید (حیدری، ۱۳۸۵، ۱۳۷) مرتبط دانست. گاهی ضرر به صورت مطلق لحاظ می شود؛ مثلاً آسیب وارد شده به بدن یک ورزشکار، به صورت مطلق ضرر است؛ یعنی چنین آسیبی، صرف نظر از اینکه به بدن یک شخص خاص وارد شده یا نه، ضرر است. گاهی ضرر مقید به قید یا قیودی است؛ مثلاً ورزشکاری که در مقام رقابت قرار دارد، وقتی که نمی تواند حریفش را که دوپینگ کرده شکست دهد، ضرر به او وارد شده است اما اگر همین ورزشکار مغلوب، فرضاً در مقام تمرین می بود نه مسابقه و نظیر همین شکست فعلی را از همین شخص می خورد، ضرر تلقی نمی شد. پس ورزشکار در مقام مسابقه، مقید به قیدی است که آن قید در اطلاق ضرر به او مداخلت یا نقش دارد. به عبارت دیگر ورزشکار از آن حیث که «در حال رقابت است» متحمل ضرر شده است، نه ورزشکار بما هو ورزشکار.

تمایز دیگری که به نظر نویسندگان این مقاله با این بحث مرتبط است، تمایز میان ضرر حقیقی و اعتباری (حیدری، ۱۳۸۵، ۱۳۹) است. گاهی وقوع ضرر به نحو حقیقی به ورزشکار اسناد داده می شود؛ مثلاً به علت اینکه حریف او دوپینگ کرده، بدن او مجروح می شود یا آسیب می بیند. در این حالت، ورزشکار بدون اعتبار یا فرض هیچ امر دیگری، فی نفسه و به صورت حقیقی زیان دیده است. گاهی اسناد زیان به ورزشکار اعتباری است؛ بدین معنا که با لحاظ یا توجه به یک سری امور اعتباری نظیر جایگاه او در تیم های گوناگون، شهرت او در فلان کشور، رتبه بندی جهانی او

امکان سنجی استفاده
از قاعده لا ضرر در
تحلیل پدیده دوپینگ
۱۹۷

و... شخص دچار زیان شده است. ورزشکاری که پس از شکست از حریفش که دوپینگ کرده، جایگاه ملی یا بین‌المللی پایین‌تری می‌یابد، اگرچه به لحاظ فیزیکی یا جسمی حقیقتاً آسیب ندیده اما با توجه به اموری اعتباری نظیر قراردادهایی که با او بعداً بسته خواهد شد، زیان دیده است.

تمایز فوق میان ضرر حقیقی و اعتباری در برخی حالات کاربردهایی خواهد داشت. وجود ضرر حقیقی یا تکوینی، امری فی‌نفسه و مستقل از تشریح یا قانون‌گذاری است. برای نمونه، اینکه دست یک ورزشکار در رقابت با حریفی که دوپینگ کرده آسیب دیده، به هیچ‌روی وابسته به نظر قانونی، اعتباری یا تشریحی خاصی نیست اما اینکه کدام مصادیق تغییر در شئون، جایگاه یا رتبه‌بندی خاص ورزشکار، ضرر تلقی می‌شود، با توجه به نظام‌های قانونی تشریحی گوناگون می‌تواند یکسان نباشد. فرض کنید ورزشکاری در رقابت با حریفی که دوپینگ کرده، شکست می‌خورد اما بدن یا وضعیت ذهنی یا روحی روانی او هیچ‌گونه آسیبی نمی‌بیند؛ چون به‌عنوان مثال قصد ندارد دیگر تا پایان عمر در هیچ رقابتی شرکت کند اما درعین‌حال مایل بوده است که نام او به‌عنوان مثال در کتاب گینس به‌عنوان دارنده یک رکورد جدید ثبت شود. حال با توجه به اینکه شکست خورده و نتوانسته به رکورد مورد نظر دست یابد، پرسش این خواهد بود که آیا این امر اعتباری؛ یعنی «عدم ثبت در فهرست رکوردهای گینس»، زیان تلقی می‌شود یا خیر؟ این امر اعتباری، وابسته به منظرهای حقوقی و قانونی مختلف، می‌تواند ضرر تلقی بشود و یا نشود. شهید صدر در قاعده لا ضرر (صدر، ۱۴۲۰، ۱۴۱) کارگری را مثال می‌زند که به شرکتی تجاری می‌رود تا او را استخدام کنند اما شخصی دیگر (نظیر سمره در حدیث معروف لا ضرر) به مدیر آن شرکت تجاری می‌گوید که آن کارگر را استخدام نکند. به نظر شهید صدر، در چنین حالتی ضرر بزرگی به آن کارگر وارد شده است، هرچند به جان یا مال یا آبروی او مستقیماً زیانی وارد نشده است. به نظر نگارندگان، این مثال شهید صدر در بحث دوپینگ نیز می‌تواند راهگشا باشد؛ مثلاً هنگامی که رکوردهای ورزشکاران ثبت می‌شود و فرضاً هیچ مسابقه یا رقابتی هم برگزار نشده است، شخصی که دوپینگ می‌کند و رکورد بالاتری را ثبت می‌کند، به ورزشکاران دیگر زیان وارد می‌کند، حال آنکه مستقیماً به

جان، بدن، آبرو یا مال آن ورزشکاران ضرر وارد نشده باشد؛ چراکه آن ورزشکاران با عدم دست‌یابی به رکورد شخصی که دوپینگ کرده، به صورت بالقوه یا بالفعل از فرصت‌های شغلی گوناگون، یا دیگر امتیازات اجتماعی محروم می‌شوند. البته محاسبه میزان ضرر وارده، در کشورها و نظام‌های قانونی مختلف می‌تواند متفاوت باشد. برفرض تلقی ضرر، فی‌المثل، ورزشکار مورد نظر خواهد توانست شکایت کند و بابت این زیان غیرجسمی طلب غرامت کند.

البته باید توجه داشت که زیان حقیقی با زیان جسمی یکسان دانسته نشود و زیان از حیث عرض، آبرو یا حالات ذهنی، زیان اعتباری تلقی نشود. وقتی به آبرو، کرامت یا شخصیت یک نفر آسیبی وارد شود، این زیان حقیقی است و وابسته به نظرگاه‌های قانونی گوناگون نمی‌تواند تغییرپذیر شود. همچنین زیان‌های روان‌شناختی و ذهنی نظیر آسیب‌هایی مثل افسردگی نیز از مصادیق ضرر حقیقی هستند. زیان‌هایی که به شخصیت، کرامت یا آبروی یک شخص وارد می‌شود، گاه حتی از زیان‌های مالی و جسمی دردناک‌تر و بغرنج‌تر خواهند بود.^۱ بدین ترتیب باید از خلط یا درهم‌آمیزی تمایز حقیقی - اعتباری با تمایزهای دیگر پرهیز کرد.

امکان‌سنجی استفاده
از قاعده لاضرر در
تحلیل پدیده دوپینگ

۱۹۹

۴-۲-۴. علم و جهل فرد نسبت به ضرر

یکی از موضوعات کلیدی مربوط به حالتی است که فرد ورزش‌کار، خود علم به ضرر ندارد؛ مثلاً سخن متخصصین را باور نمی‌کند یا علم و اطلاعات او ناقص است و به همان دانش محدود خود اکتفا می‌کند. آیا علم خود شخص برای حرمت دوپینگ در اینجا مدخلیت دارد یا خیر؟

به نظر می‌رسد که در صورتی که علم به ضرر موجود در افعال ضرری در حرمت آن موضوعیت داشته باشد، حرمت دوپینگ بر مبنای قاعده لاضرر تنها در حالاتی اثبات خواهد شد که شخصی که دوپینگ می‌کند به ضرر دوپینگ باور داشته باشد اما در مقابل، اگر علم به ضرر تنها طریقت داشته باشد و فعل ضرری، فی‌نفسه و

۱. شهید صدر معتقد است ضرر به اعتبار یا آبروی افراد بی‌تردید مصادق ضرری است که در قاعده لاضرر مطرح شده و در بسیاری موارد، ضرر به کرامت (یا آبروی) افراد از زیان‌های مالی بزرگتر است (حیدری، ۱۳۸۵، ۱۴۱).

به علت زیانی که ایجاد می‌کند، در هر دو حالت علم و جهل ورزشکار، دوپینگ حرام خواهد بود.

به نظر نگارندگان این نوشتار، از رهگذر فهم تفاوت میان طریقت و موضوعیت علم به ضرر، برخی مصادیق و فروع مرتبط با دوپینگ بهتر قابل درک خواهد بود. برای نمونه، در بحث معاونت در دوپینگ یا مسئولیت حقوقی و کیفری دوپینگ، این تمایز می‌تواند مطرح شود و دارای ثمراتی خواهد بود. اگر فقیهی به طریقت علم به ضرر معتقد باشد، حتی در حالتی که خود ورزشکار علم به ضرر دوپینگ ندارد، فعل او را حرام خواهد دانست و کمک کردن به او در دوپینگ را نیز بالتبع حرام تلقی خواهد کرد. همچنین ورزشکاری که دوپینگ کرده، حتی وقتی که علم به ضرر ندارد، باید پاسخگویی کار خویش باشد و زیان‌های وارده به حریف را حتی المقدور جبران کند. صورت دوم که علم به ضرر موضوعیت داشته باشد، در حالت جهل به ضرر، دوپینگ دیگر حرام نخواهد بود و بالتبع حرمت فعل به فعل اشخاص دیگر (در مصادیق معاونت) نیز تسری نمی‌یابد و مسئولیت حقوقی کیفری نیز از این باب مطرح نخواهد بود.

به نظر می‌رسد که هر دو گروه، چه مدافعان طریقت علم به ضرر و چه طرفداران موضوعیت علم به ضرر، می‌توانند شواهد یا ادله‌ای برای رأی خویش در مباحث مرتبط با قاعده لا ضرر بیانند. در صورتی که علم به ضرر را فی نفسه ملاک ندانیم و برای آن طریقت قائل باشیم، چه بسا بتوانیم بر این نکته تأکید کنیم که درجات یا میزان علم افراد مختلف (در این بحث، مثلاً ورزشکاران مختلف) به هیچ وجه یکسان نیست و نمی‌توان امری شدیداً پیچیده و ناهمسان همچون دانش یا اطلاعات «افراد» مختلف را در حکمی «اجتماعی» نظیر حرمت فعل ضرری ملاک و معیار اصلی دانست. اینکه فرد به ضرر آگاهی دارد یا نه، یک بحث است و اینکه فعل این فرد بر جامعه یا نسبت به دیگران چه تأثیری دارد و این آثار مضر و ممنوع هستند یا نه، بحثی دیگر است. از دیگر سو، آن‌هایی که معتقدند که علم به ضرر موضوعیت دارد و در حرمت فعل ضرری دخیل است، می‌توانند بر این نکته تأکید بورزند که در احکام تکلیفی عمدتاً علم یا جهل مکلف ملاک تحقق یا فعلیت یافتن حکم خواهد بود.

جستارهای
فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۱
تابستان ۱۴۰۲

۲۰۰

همچنین می‌توان به این امر توجه کرد که اگر علم مکلف اساساً موضوعیت نداشته باشد، این لازمه عجیب را در پی خواهد داشت که هر دو شخص عالم و جاهل به ضرر دوپینگ حکم یکسانی داشته باشند، حال آنکه در بادی امر به نظر می‌رسد که این دو باید در مقام تکلیف با یکدیگر تفاوت داشته باشند.

ضرر به معنای نقص در یک خصوصیت و ویژگی از ویژگی‌های انسان است که مقدار آن می‌تواند کم یا زیاد باشد، یا ضرر به معنای نوعی از وضعیت بد و نامناسب است. نکته قابل توجه این است که شرط نیست که این وضعیت بد، فی الحال موجود باشد بلکه پتانسیل و شأن ضرری بودن هم در صدق عنوان کافی است، به همین دلیل حتی در صورت عدم علم شخصی که ضرر کرده باز هم ضرر صدق می‌کند و واقع می‌شود؛ مانند جایی که اموال شخصی به سرقت رفته و خود او بی‌اطلاع است، گفته می‌شود او ضرر کرده است. اگر ضرر به معنای نقص باشد، امری عینی و واقعی است، لذا حتی در صورت عدم علم به ضرر واقع می‌شود و برای وقوع آن نیازی به علم نیست.

۵-۲-۴. میزان ضرر

آیا میزان دوپینگ (محدود و کم یا زیاد) تأثیری در حکم آن دارد؟ در مسئله شرب خمر گفته می‌شود که حتی با مصرف میزان بسیار کم خمر و عدم اسکار فرد، باز هم حکم حرمت جاری می‌شود.^۱ آیا در مورد دوپینگ، مصرف میزان خاصی ملاک است و این که به حد خاصی از ضرر برسد یا صرف دوپینگ ولو اینکه مقدار بسیار کمی باشد و تأثیری هم در توان ورزش کار نداشته باشد، باعث حرمت می‌شود.

با توجه به اینکه قاعده لا ضرر ناظر به وقوع زیان است، به نظر ما اگر شخصی که دوپینگ کرده هیچ زیانی به خود، رقیب یا رقبای خود وارد نکند، از باب قاعده لا ضرر کار او نمی‌تواند حرام باشد اما اگر برای دوپینگ کردن، مستقل

۱. برای مثال می‌توان به عمومیت «الخمرا»، اعم از خمر همراه با مستی و یا بدون مستی، در آیه ۹۰ سوره مانده اشاره کرد.

از زیان، حرمتی نفسی قائل باشیم، حتی استفاده از میزان بسیار کمی از مواد زورافزا می‌تواند حرام باشد. نظیر همین مسئله درباره مواد مخدر هم می‌تواند مطرح باشد.

۵-۲-۴. شمول قاعده بر عدمیات

اگر عدم حکمی متضمن ضرر گردد، می‌توان به قاعده لا ضرر تمسک کرد و جعل حکم نمود؟ فقها در این مسئله اختلاف نظر دارند، عده‌ای بر این عقیده‌اند که قاعده لا ضرر تنها نفی حکم می‌کند. مرحوم نائینی بر این عقیده است که اگر قاعده لا ضرر اثبات حکم کند، سنگی بر سنگی باقی نمی‌ماند و مستلزم فقه جدیدی است. عبارت منقول از ایشان در تقریرات مرحوم شیخ موسی خوانساری بسیار گویاست که اینچنین می‌نویسد: «و حاصل الکلام أنّ قاعدة الضرر لو كانت مثبتة للحکم لما استقام حجر علی حجر و لزم تأسيس فقه جدید و لزم تدارك كل خسارة من بیت المال أو من الأغنياء و بعض الأعاظم (السید محمدکاظم الطباطبایی الیزدی) ممن عاصرناهم و إن أفتی بجواز طلاق زوجة الغائب لرفع ضرر الزوجة استنادا إليها ولكن لا يمكنه الالتزام بتشريع الأحكام حتى في من تضرر بالمال وخسر في التجارة» (نجفی خوانساری، ۱۴۱۸ق، ۱/۱۷۱). مرحوم بجنوردی نیز بر این باورند که در مواردی که عدم ضمان موجب ضرر می‌شود، برای اثبات ضمان باید به اسباب ضمان مثل قاعده ید، اتلاف و ... رجوع کرد (بجنوردی، ۱۳۷۷، ۱/۲۳۵). در مقابل عده‌ای، از جمله صاحب عناوین، اثبات حکم توسط قاعده لا ضرر را پذیرفته‌اند (مراغی، ۱۴۱۷ق، ۱/۳۲۲؛ طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸ق، ۲/۳۰۱).

به نظر می‌رسد قاعده لا ضرر علاوه بر نفی احکام ضرری در مواردی که عدم حکم متضمن ضرر است، اثبات حکم می‌کند. در مبحث دوپینگ نیز این حکم جریان دارد. بنابراین چنانچه در اثر دوپینگ یک ورزشکار، حریف او یا اشخاص مرتبط دیگری، دچار ضرری غیر مستقیم مانند از دست دادن گزینه‌های شغلی در آینده، از دست دادن آبرو و اعتبار و ... شوند، در این موارد بر اساس قاعده لا ضرر حکم به مقصر بودن فرد دوپینگ کننده و جبران ضرر توسط او می‌شود.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۱
تابستان ۱۴۰۲

۲۰۲

نتیجه‌گیری

در این مقاله کوشیدیم که به پدیدهٔ دوپینگ از زاویه‌دید فقهی بنگریم. پس از مرور چند دسته از مصادیق رایج دوپینگ و ویژگی‌های آن‌ها، به تحلیل فقهی این پدیده از طریق تمرکز بر آیات مربوط به زیان و نیز با توجه به قاعده لا ضرر پرداختیم. این نوشتار، تا حدودی می‌تواند نشان دهد که مفهوم ضرر، می‌تواند در مباحث حقوقی مرتبط با دوپینگ جایگاهی کلیدی و گره‌گشا بیابد و به توسعه مباحث حقوقی مرتبط با دوپینگ کمک کند. همچنین نگارندگان با طرح پرسش‌های گوناگون درباره نوعی یا شخصی بودن ضرر، مدخلیت علم و جهل در قاعده ضرر، میزان ضرر و شمول قاعده لا ضرر نسبت به عدمیات برآند که قاعده لا ضرر از ظرفیت مفهومی قابل توجهی برای تحلیل و تبیین فقهی پدیده دوپینگ برخوردار است. آیات قرآن کریم درباره ضرر و نیز تحلیل‌های فقیهان درباره مفهوم ضرر از ظرفیت مفهومی بسیار بالایی برخوردارند و می‌توانند نوری بر مباحث حقوقی و فقهی مربوطه بیافکنند. استدلال‌های مختلف قرآنی - عقلی در مقاله، ناظر بر این نکته است.

ساختار مباحث این مقاله به این صورت شکل گرفته است:

۱. در بحث چیستی دوپینگ، کوشیدیم به فهمی عرفی و متداول و نیز فهمی علمی و خاص از دوپینگ نزدیک شویم.
۲. در بحث مصادیق دوپینگ توضیح دادیم که به نظر می‌رسد که در تمامی انواع دوپینگ؛ چه دوپینگ به معنای خاص کلمه یعنی دوپینگ در ورزش و چه دوپینگ به معنای موسع کلمه، گونه‌ای زیان وجود دارد. احتمالاً بتوان با توجه به احکام اخلاقی مربوط به اموری نظیر ممنوعیت وارد ساختن زیان بر دیگران، وجه اشتراک یا شباهتی میان انواع گوناگون دوپینگ یافت.
۳. در بخش حکم شرعی دوپینگ تلاش شد با تبیین انواع نه‌گانه ضرر که در دوپینگ محتمل و شایع است، توضیح داده شود چرا قاعده لا ضرر می‌تواند راهکاری فقهی برای مواجهه با مسئله دوپینگ را به‌خوبی آشکار سازد.

منابع

• قرآن کریم

۱. اکبرنژاد، علی. (۱۳۹۳). هورمون‌ها و داروها در ورزش. تهران: نرسی.
۲. انصاری، مرتضی. (۱۳۷۴). المکاسب. قم: اسماعیلیان.
۳. انصاری، مرتضی. (۱۴۰۵ق). فرائد الاصول. تحقیق سید مهدی رجایی، قم: دارالقرآن الکریم.
۴. بجنوردی، سید محمد حسن. (۱۳۷۷). قواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
۵. حبیبی نیا، اباذر. (۱۳۸۴). دوپینگ و داروهای محرک در ورزش. تهران: علم و ورزش.
۶. حلب چی، فرزین. (۱۳۸۰). دوپینگ سوء مصرف دارو در ورزش کاران. تهران: صور خاکیان.
۷. حیدری، سید کمال. (۱۴۲۰ق). لاضرر و لاضرار من ابی‌احسان سیدنا الاستاذ آیت الله العظمی الشهید محمد باقر الصدر. مؤسسة الامام الجواد للفکر و الثقافة.
۸. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۰۷ق). الحج. قم: العلمیه.
۹. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۳ق). مصباح الاصول. قم: داوری.
۱۰. سلامی، صادق. (۱۳۸۸). دایرة المعارف دوپینگ. تهران: تلاش.
۱۱. سیستانی، سید علی. (۱۴۱۴ق). قاعده لاضرر و لاضرار. قم: مکتبه آیت الله سیستانی.
۱۲. شیخ انصاری، مرتضی. المکاسب. چاپ سنگی.
۱۳. صدر، سید محمد باقر. (۱۴۲۰ق). قاعده لاضرر و لاضرار. قم: دارالصادقین للطباعة و النشر.
۱۴. طباطبایی کربلایی، علی بن محمد علی. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۸). المیزان. بی‌جا: امیرکبیر.
۱۶. عراقی، آقاضیاء الدین. (۱۴۱۸ق). قاعدة لاضرر. تحقیق علی کزازی، قم: بوستان کتاب.
۱۷. فاضل مقداد، عبدالله. (بی‌تا). کنز العرفان فی فقه القرآن. بی‌جا: منشورات المکتبه المرثویة للإحیاء الآثار الجعفریة.
۱۸. کاشی، علی؛ کارگر فرد، مهدی؛ سرلک، زهرا. (۱۳۸۸). مواد نیروزا: یافته‌ها تأثیرات و مضرات. تهران: جامعه‌نگر.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۶۶). قواعد فقه. چاپ دوم، تهران: چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۱
تابستان ۱۴۰۲

۲۰۴

۲۱. مراغی، سیدمیر عبدالفتاح بن علی. (۱۴۱۷ق). *العناوین الفقهیة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۲۲. مظلوم، علیرضا. (۱۳۹۶). تبیین قاعده لاضرر و لاضرار در مباحث فقهی. *ماهنامه پژوهش ملل*. دوره دوم (۲۳)، ۱۷-۳۰.

۲۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۶۲). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتاب اسلامی.

۲۴. نجفی خوانساری، موسی. (۱۴۱۸ق). *منیة الطالب فی حاشیة المکاسب*. قم: مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین.

۲۵. وبسایت مدرسه فقاقت به آدرس:

<https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/osool/93/930714/>

26. <https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english/doping>

References

The Holy Qur'an

1. Akbar Nizhād, 'Alī. 2014/1393. *Hurmūnhā wa Darūhā dar Warzish*. Tehran: Narsi.
2. al-Anṣārī, Murtaḍā Ibn Muḥammad Amin (al-Shaykh al-Anṣārī). 1995/1374. *Al-Makāsib*. 9th. Qom: Mu'assasat Ismā'īlīyān.
3. Murtaḍā Ibn Muḥammad Amin (al-Shaykh al-Anṣārī). 1984/1405. *Farā'id al-Uṣūl (al-Rasā'il)*. Edited by Sayyid Mahdī Rajā'ī. Qom: Dār al-Qur'ān al-Karīm.
4. al-Ṭabāṭabā'ī al-Burūjirdī, al-Sayyid Ḥusayn. 1998/1377. *Qawā'id al-Fiqhīyah*. Qom: Nashr al-Hādī.
5. Ḥabībī Nīyā, Abādhar. 2009/1384. *Dupīng wa Dārū-hāyi Muḥarik dar Warzish*. Tehran: Intishārāt 'Ilm wa Warzish.
6. Ḥalabchī, Farzīn. 2001/1380. *Dupīng Sū'-i Maṣraf-i Dārū dar Warzishkārān*. Tehran: Intishārāt Ṣūr Khākīyān.
7. Al-Ḥaydarī, Sayyid Kamāl. 1999/1420. *Lā Ḍararr wa Lā Ḍirārr min Abḥāth Sayyidunā al-Uṣṭād Āyatollāh Muḥammad Bāqir al-Ṣadr*. Mu'asissat al-Imām al-Jawād lil Fikr wa al-Thiqāfah.
8. al-Mūsawī al-Khu'ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 1986/1407. *Al-Ḥajj*. Qom: al-'Ilmīyah.
9. al-Mūsawī al-Khu'ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 1992/1413. *Miṣbāh al-Uṣūl*. Qom: Intishārāt Dāwarī.
10. Salāmī, Ṣādiq. 2009/1388. *Dāyirat al-Ma'ārif-i Dupīng*. Tehran: Intishārāt Talāsh.
11. al-Ḥusaynī al-Sīstānī, al-Sayyid 'Alī. 1995/1414. *Qā'idat lā Ḍararr wa lā Ḍirārr*. Qom: Maktab al-Sayyid al-Sīstānī.

12. al-Anṣārī, Murtaḍā Ibn Muḥammad Amin (al-Shaykh al-Anṣārī). 1995/1374. *Al-Makāsib*. Qom: Mu'assasat Ismā'īlyān.
13. al-Ṣadr, al-Sayyid Muḥammad Bāqir. 1999/1420. *Qā'idat lā Ḍararr wa lā Ḍirārr*. Qom: Dār al-Ṣādiqīn lil Ṭibā'at wa al-Nashr.
14. al-Ṭabāṭabā'ī al-Hā'irī, al-Sayyid 'Alī (Ṣāḥīb al-Riḡāḍ). 1997/1418. *Riḡāḍ al-Masā'il fī Taḥqiq al-Aḥkām bī al-Dalā'il*. Edited by Muḥammad Bahrimand. 1st. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' al-Turāth.
15. al-Ṭabāṭabā'ī, al-Sayyid Muḥammad Ḥusayn (al-'Allāma al-Ṭabāṭabā'ī). 1999/1378. *al-Mizān fī Tafṣīr al-Qur'ān*. Amīr Kabīr.
16. al-'Irāqī, Āqā Ḍiyā' al-Dīn. 1997/1418. *Qā'idat lā Ḍirārr*. Edited by 'Alī Kazāzī. Qom: Būstān-i Kitāb-i Qom (Intishārāt-i Daftar-i Tablīghāt-i Islāmī-yi Hawzi-yi 'Ilmīyī-yi Qom).
17. Kāshī, 'Alī; Kārgar Fard, Mahdī; Sarlak, Zahrā. 2009/1388. *Mawād-i Nīrūzā; Yāfīh-hā Ta'thīrāt wa Muḍīrrāt*. Tehran: Intishārāt Jāmi'i Nigar.
18. al-Kulaynī al-Rāzī, Muḥammad Ibn Ya'qūb (al-Shaykh al-Kulaynī). 1987/1407. *al-Kāfī*. 14th. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
19. Muḥaqqiq Dāmād, Sayyid Muṣṭafā. 1987/1366. *Qawā'id-i Fiqh*. 2nd. Tehran: Chāpkhānih-i Wizārat-i Farhang wa Irshād-i Islāmī.
20. Al-Narāghī, 'Abd al-Fattāḥ. 1996/1417. *Al-'Anāwīn al-Fiqhīyah*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
21. Mazlūm, 'Alīrizā. 2017/1396. *Tabyīn-i Qā'idih-yi Lā Ḍararr wa Lā Ḍirārr dar Mabāḥith-i Fiqhī*. Māhnāmīh-yi Pazhūhish-i Milall, 2 (23), 17-30.
22. al-Makārim al-Shīrāzī, Naṣir and others. 1983/1362. *Tafṣīr-i Namūnah*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmī.
23. al-Najafī al-Khāwṣārī, Mūsā. 1997/1418. *Munyat al-Ṭālib fī Ḥāshīyat al-Makāsib*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
24. <https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/osool/93/930714/>.
25. <https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english/doping>.